

فدرالیزم Federalism چرا و چیست؟

نخست فشرده پی درمورد مفهوم فدرالیزم:

مفهوم سیاسی فدرالیزم عبارت از اتحاد چند ایالت با منافع مشترک، همکاریهای متقابل و رابطه همه جانبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دفاعی میباشد. به عبارت دیگر، نظام فدرالیزم حیثیت مرکز و محیط را دارد، بدین معنی که مکانیزم دولت قوی مرکزی به حیث مرکز و ایالتهای تابع، بمثابة محیط شناخته میشوند. ایالتها در عین حالیکه اصولاً بایستی تابع رضامندانۀ مکانیزم دولت مرکزی باشند، بر مبنای قانون اساسی تدوین شده هر کشور، دارای حقوق و اختیارات مربوط بخود نیز میباشد. مانند وضع قوانین ایالتی، طرح و پیشبرد برنامه های اجتماعی، صحت، فرهنگی، رفاهی، عمرانی و امثالهم.

مجموع ارگانیزم نظام فدرالی اینست که: هر ایالت در عین حالی که عضو متحد و متعهد نظام فدرال است، دارای نظم پارلمانی، انتخابات صدارتی، شوراهای شهری، صلاحیت های دخل و خرچ مالی، حیثیت و هویت مستقلانۀ زبانی، کلتوری و فرهنگی منحصر بخود نیز میباشد. یا به عبارت دیگر، هریالت در تحت شرایط نظام فدرالی، دارای قوای ثلاثه (مقننه، اجراییه و قضاییه) نیز است.

همچنان، میثاقها و پرنسپ های قبول شده و تعیین کننده میان دولت مرکزی و ایالتهای تابع اینست که ایالت های متحد شده، صلاحیت های سه گانه (نشریول، دفاع ملی و سیاست خارجی) را متعلق به دولت مرکزی دانسته و آنرا به رسمیت می شناسند و از آن جداً اطاعت اصولی و آگاهانه بعمل می آورند. ضمناً همه ایالت ها درچنین نظامی، از قانون کلی و اساسی پی پیروی و اطاعت میکنند که در اثر مطالعات علمی و عینی، همه پرسى و فیصله پارلمان مرکزی قبلاً به تصویب رسیده و به نام (قانون اساسی) یاد میشود. ایالتها در عین زمان، بودجه عمومی مصرفی سالیانۀ شان را از دولت مرکزی حاصل نموده با استفاده از آن، میتوانند تشکیل نیروی پولیس محلی و دیگر مخارج ایالتی را تکافو نمایند..

نکته جالب و قابل توجه اینست که این اتحاد و این تعهد و پیمان میان ایالتهای مختلف در یک سرزمین معین نه در اثر زور و فشار فکری و فیزیکی، بلکه درپرتو رضایت کامل، ضرورت و قناعت متقابل و با در نظر داشت خیر و مصلحت عمومی صورت می گیرد. زیرا جانبین این واقعیت را بخوبی میدانند که هر ایالت به تنهایی قادر نخواهد بود همه گونه نیاز های علمی، دفاعی، اقتصادی و فرهنگی و... اش را به نحو کاملاً مستقلانۀ مرفوع سازد. چه بسا که هر ایالت در صورت تنها ماندن و یا تکتازی های سیاسی- اقتصادی، عاقبت لقمۀ سهل الهضمی شود برای همسایه گان قوی و گرسنه چشم خویش. ولی هرگاه همه با هم چون انگشتان دست یکجا باشند، مشت محکمی میشوند در برابر هر قدرت طماع و متجاوز خارجی. از همین طریق و با همین درک و مفکوره منطقی و دموکراتیک است که میتوانند بقای خویش را تضمین کنند.

واما، لازمه ساختار نظام فدرالی چیست؟ نظام های فدرالی درجهان امروز، اصلاً بر بنیاد آگاهی علمی و سیاسی، هضم دموکراسی و شناخت دقیق ازارزشهای انسانی و اجتماعی آن ایجاد گردیده اند. پس، بنای نظام فدرالی، نمادعالی دموکراسی بحساب میرود. (صرف نظر از بعضی مقاصد استعماری که گهگاهی در مسیر تاریخ فدرالیزم بملاحظه رسیده است.) به معنای دیگر، فدرالیزم و دموکراسی لازم و ملزوم هم اند و یکی در نبود دیگری نمیتواند رشد و بقا کند.

به اساس همین پایه و مایه است که مثلاً نظام های فدرالی آلمان، کانادا، امریکا و دیگران در گسترۀ سالیان دراز نه تنها که خدشه نه پذیرفته اند، بلکه روز تا روز به پخته گی، غنا و تکامل بیشتر نیز



رسیده و میرسند.

پیرامون فقدان زمینه های نظام فدرالی در افغانستان :

درحالی که افغانستان بعد 15 اگست 2021 تا هنوز فاقد یک دولت دیجور de jure بوده و تاکنون مورد شناسایی جامعه بین المللی قرار نگرفته و متعهد به اجرای اصول بین المللی نمی باشد (روابط دیپلماتیک رسمی و قونسل با جهان ندارد) و رکن اول دولتمداری که عبارت از تأمین کامل امنیت جانی و مالی شهروندان است، بجا آورده نشده، وحدت واقعی ملی پس از جنگهای چهل و چندساله تأمین نگردیده، هزاران میل سلاح ثقیل و خفیف از دست افراد و گروه های خودسر و متخاصم جمع آوری نشده، آشتی ملی به معنای واقعی آن صورت نپذیرفته، دموکراسی، قانون اساسی و پارلمان وجود ندارد، جای قانون اساسی شریعت پر نموده و دین هم حکومت است و هم قانون، تخریبات و تبلیغات دشمنان خارجی مبنی بر ایجاد افتراق قومی و زبانی گسترش یافته، نظام اقتصادی قابل قناعت توأم با تولید، تقسیم، صادرات و عواید کافی که مایحتاج ملی را مرفوع کند، درکشور سراغ نمیشود، جنگ داخلی و گروههای دهشت افکن مسلحانه بیداد میکند، چگونه ممکن است به سوی تشکیل یا تأسیس نظام فدرالی درمیهن رفت؟

برداشت ما چنین است: قبل از همه موجودیت نظام قانونمدار و متکی بر قانون اساسی لازمه اصلی دولتمداریست. تا افغانستان به سرزمین آزادی و دموکراسی مبدل نشده و مردم آن از قوانین دموکراتیک و مزایای آن مستفید نگردیده اند، اوضاع و فضای مساعد فکری- سیاسی درکشور استیلا نیافته و شور حب وطن و ترک مخاصمت ها در دل های همه جناح ها و اقوام و ملیت ها موج نزده و اعتماد فی مابین دولت- ملت احیا و تقویت نشده است، خیلی ها دشوار خواهد بود بسوی نظام دلخواه فدرالی حرکت نمود.

به اعتقاد کارشناسان، اولترازهمه باید بستر ایجاد، پرورش و گسترش نظام فدرالی را درکشور، از طریق حصول تربیت خاص اجتماعی توأم با درک مسوولیت های متقابله، گریز ازوابسته گی و اسارت سیاسی و اقتصادی، ایجاد اردوی قوی، منظم و واقعاً ملی، ترویج مفکوره زیست باهمی و بالاخر سرکوب احساسات بیگانه پرستی و قطع روابط جانیان از ارتکاب جنایت ها را مساعد نسازیم، رفتن به سوی ساختار این نظام بمثابه حلوا گفتن و دهن شیرین کردن خواهد بود و بس. خلاصه: بادر نظر داشت مجموع اسباب و دلایل بر شمرده شده بالا و به اساس درک و شناختی که خوشبختانه از روبنا ها و زیر بنا های جامعه امروزی خویش داریم، بخصوص موقعیت حساس ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک افغانستان، موضع و موقف همسایه گان طماع و فقدان حاکمیت قانونمدار ما را به این نتیجه میرساند که برای کشورجنگزده و فقیر و متلاشی شده بی مانند افغانستان درقدم اول یک دولت قانونی و نیرومند مرکزی در زیر چترقانون اساسی متمدن، عادلانه و دموکراتیک با صبغه ملی- مردمی و برخوردار از بازوی قوی نظامی و اطلاعاتی، مناسبترین نوع ارگان یا نظام دولتی در این سرزمین خواهد بود، سپس اگر از فدرالیسم حرف و سخنی داشته باشیم قابل بحث خواهد بود.

اما در موقعیت کنونی یا در دیروز افغانستان که جنگسالاری در این سرزمین مسلط بود، زمزمه آهنگ فدرالیسم خوشایند نخواهد بود!

افغانستان از زمره آن کشورهای جهان است که بر مبنای توضیحات نکات بالا، متأسفانه هنوز آماده گی عینی و ذهنی برای استقبال از نظام سیاسی فدرالی نداشته و اگر تلاشی در این راستا صورت هم بگیرد، منطقاً به شکست مواجه خواهد شد.

اما:

د افغانستان ملت سازی و دولت سازی دشواری ندارد به شرطی که اول حاکمیت قانون جای حاکمیت ایدئالوژیک را پر کند، این هم در شرایط تسلط طالبان سخن ساده بی نخواهد بود. هرگاه بتوانیم دیدگاههای انسان دوستی، بشرگرایی (هومانیستی)، وفاق ملی، اتحاد و همبسته گی ملی را



جاگزين ديدگاهها هاي ناسيوناليستي تنگنظرانه ، محل پرستي ، قوم و تبار پرستي نماييم. آنگاه خواهيم توانست زمينه رشد و ترقي وطن را به سوي نظامهاي پيشرفته اقتصادي به شمول فدراليزم فراهم نماييم.

